



A Critique and Analysis of the Jurisprudential Principles of the Recent Section of Article 662 of the Islamic Penal Code on "the Diya of Penis of an Impotent Person"
Sedigheh Hatami¹

Received: 15/02/2020

Accepted: 25/01/2021

Abstract

'Anan means the disorder of sexual desire in men and their inability to erect the penis, which there is disagreement among Imamiyah jurists about the amount of diya (blood money) on the penis. Most jurists led by Sheikh Tusi, referring to arguments such as narrations, consensus, paralysis of the penis and the principle of exemption from Dhimeh (obligation), believe in the proof of one-third of the full diya and the Islamic Penal Code (approved in 2013) in the last part of Article 662 has followed the popular view of jurists. Contrary to the most jurists' view, the author has achieved two different views from other jurists by examining jurisprudential texts. The group, headed by Ibn Junaid Scaffi, one of the pioneers, and Ayatollah Khoei, a contemporary, believe in the proof of the full diya, through referring to the narration of Sakuni and referring to the narrations, which indicate the proof of a full diyat in a man's penis. Another group, which belongs to Ayatollah Madani Kashani, tries to examine the issue in detail considering the causes of male impotence. The present article, through a descriptive-analytical research, has explained and analyzed the existing views on the issue and their documents, and by undermining the arguments of two well-known and unpopular views, has chosen the detailed theory of the late Madani Kashani as a correct view.

Keywords

One-third of the diya, full diya, detailed diya, Penal code, diya of the impotent person.

1. PhD graduate in Fiqh and Principles of Islamic Law, Ferdowsi University, Mashhad, Iran.
hatamisedighe@yahoo.com

* Hatami, S. (2021). A Critique and Analysis of the Jurisprudential Principles of the Recent Section of Article 662 of the Islamic Penal Code on "the Diya of Penis of an Impotent Person". *Journal of Fiqh*, 27(104), pp. 90-111.
Doi: 10.22081/jf.2021.56902.2001

نقد و تحلیل مبانی فقهی بخش اخیر ماده ۶۶۲ قانون مجازات اسلامی «دیه آلت تناسلی عنین»

صدیقه حاتمی^۱

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۱۱/۰۶

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۱۱/۲۶

چکیده

عین به معنای اختلال میل جنسی در مردان و ناتوانی آنان در برخاستن آلت تناسلی مردانه است که در میان فقیهان امامیه در باب میزان دیه آلت تناسلی عنین اختلاف نظر وجود دارد؛ مشهور فقها که شیخ طوسی در رأس آنان قرار دارد، با استناد به ادله‌ای چون روایات، اجماع، فلج بودن آلت تناسلی عنین و اصل برائت ذمه، قائل به ثبوت ثلث دیه کامل هستند و قانون مجازات اسلامی (مصوب ۱۳۹۲) نیز در بخش اخیر ماده ۶۶۲ از دیدگاه مشهور تبعیت نموده است. در مقابل قول مشهور، نگارنده با استقصای متون فقهی به دو موضع متفاوت دیگر از فقیهان دست یافته است؛ گروهی که در رأس آنها ابن جنید اسکافی از متقدمان و آیت‌الله خوئی از معاصران قرار دارد، با استناد به روایت سکونی و همچنین اطلاق روایات دال بر «ثبوت دیه کامل در آلت تناسلی مرد»، قائل به ثبوت دیه کامل‌اند و نظریه دیگر که متعلق به آیت‌الله مدنی کاشانی است، با توجه به علل ناتوانی جنسی مرد، قائل به تفصیل شده است. نوشتار حاضر در پژوهشی توصیفی-تحلیلی، دیدگاه‌های موجود در مسئله و مستندات آنها را تبیین و تحلیل کرده و با خدشه بر ادله دو دیدگاه مشهور و غیرمشهور، نظریه تفصیلی مرحوم مدنی کاشانی را به عنوان قول صائب برگزیده است.

کلیدواژه‌ها

یک‌سوم دیه، دیه کامل، تفصیل دیه، قانون مجازات، دیه عنین.

۱. دانش آموخته دکتری فقه و مبانی حقوق اسلامی، دانشگاه فردوسی مشهد، ایران. hatamisedighe@yahoo.com



بیان مسئله

آلت تناسلی عنین (آلتی که سست است و قادر به نزدیکی نیست) از جمله اعضای است که شارع مقدس دیه مقدر برای آن تعیین نموده است. فقیهان امامیه در اصل ثبوت دیه در قطع آلت عنین اتفاق نظر دارند، اما در باب میزان دیه میان آنها اختلاف نظر مشاهده می‌شود، لذا سؤال اصلی پژوهش حاضر این است که دیه قطع آلت تناسلی عنین به چه میزان است. در پاسخ به سؤال مزبور، سه دیدگاه در آثار مکتوب فقهی بازشناسی شده است:

۱. ثبوت یک‌سوم دیه کامل (دیدگاه مشهور).

۲. ثبوت دیه کامل.

۳. دیدگاه تفصیلی (دیدگاه برخی از فقیهان معاصر).

قانون مجازات اسلامی در مصوبات پیش از سال ۱۳۹۲ در خصوص آلت عنین بحثی به میان نیاورده و از نوآوری‌های مصوبه ۱۳۹۲ اختصاص دادن بخشی از ماده ۶۶۲ به آلت عنین است که در این مورد از نظریه مشهور پیروی نموده است. این ماده مقرر می‌دارد: «قطع اندام تناسلی فلج، موجب یک‌سوم دیه کامل و فلج کردن اندام سالم موجب دوسوم دیه کامل است، لکن در قطع اندام عنین ثلث دیه کامل ثابت است.»

در نوشتار فرارو ابتدا مفهوم عنن و علل و درمان آن و سپس دیدگاه‌های موجود در باب میزان دیه آلت تناسلی عنین و مستندات آن تبیین و تحلیل خواهد شد و در نهایت پس از ارزیابی تمامی دیدگاه‌ها و مستندات موجود، به تبیین قول مختار پرداخته می‌شود.

۱. مفهوم، علل و درمان عنن

پیش از پرداختن به اصل مبحث مورد نظر (میزان دیه آلت تناسلی عنین) لازم است برخی مبانی نظری پژوهش مورد بررسی قرار گیرد.





۱-۱. مفهوم عنن

عنن در لغت به معنای ناتوانی جنسی در مرد و یا به عبارتی عدم توانایی مقاربت در مرد است. لذا عنین به کسی گفته می‌شود که از نزدیکی با زنان عاجز باشد (ابن‌منظور، ۱۴۱۴، ج ۱۳، ص ۲۹۱؛ واسطی زبیدی، ۱۴۱۴، ج ۱۸، ص ۳۸۷؛ فیومی، ۱۴۱۶، ج ۲، ص ۴۳۳).

مفهوم اصطلاحی عنن همان مفهوم لغوی آن است، لذا عنن به اختلال میل جنسی در مردان و ناتوانی آنان در برخاستن آلت تناسلی مردانه و انجام وظیفه دائمی یا به مدت طولانی عمل جنسی زناشویی گفته می‌شود (کیانی و گودرزی، ۱۳۹۴، ص ۳۰۱). فقیهان امامیه نیز در تعریف این بیماری به معنای لغوی آن اشاره نموده‌اند؛ عنن بیماری‌ای است که مرد در اثر آن به دلیل عدم برخاستن آلت تناسلی مردانه، دائماً و یا به مدت طولانی از نزدیکی با زنان به اندازه سر آلت ناتوان گردد و به مرد مبتلا به این بیماری «عنین» می‌گویند (شهید ثانی، ۱۴۱۳، ج ۱۵، ص ۱۰۴؛ انصاری، ۱۴۱۵، ص ۴۴۱؛ سبزواری، ۱۴۱۳، ج ۲۵، ص ۱۱۶). چنان‌که از روایات باب عنن مشخص است (حر عاملی، ۱۴۰۹، ج ۲۱، ابواب عیوب و تدلیس، باب ۱۴، صص ۲۲۹-۲۳۱)، ملاک در بیماری عنن، عدم توانایی برای نزدیکی است، لذا اگر مرد نعوذ کند ولی به دلیل تخلیه زودرس اسپرم قادر به نزدیکی نباشد، عنین محسوب می‌گردد.

۱-۲. علل بیماری عنن

علل ناتوانی جنسی مرد را می‌توان به شش دسته تقسیم‌بندی نمود:

۱. ناتوانی عضوی (عوامل جسمانی): مرد ممکن است به سبب ضعف جسمانی قادر به نزدیکی نباشد.

۲. ناتوانی عصبی و روانی (عوامل روانی): عوامل روحی-روانی چون افسردگی، استرس، احساس خجالت و حقارت، نگرانی‌های اجتماعی، اندوه، خشم، خوف نفسانی، دلهره، وحشت، هیجان و تشویش، احساس گناه، شکست، و اختلال در روابط عاطفی و عاشقانه میان زن و مرد.

۳. ناتوانی در اثر انحراف جنسی: مرد ممکن است به دلیل انحرافات جنسی همچون روابط نامشروع با زنان، همجنس‌گرایی، خودارضایی و...، توانایی جنسی خود را از دست بدهد.

۴. ناتوانی در اثر بیماری: بیماری‌هایی همچون دیابت قندی، فشار خون بالا، کمبود HDL سرم، بیماری‌های قلبی-عروقی، دیالیز، آنژین، MI، سکته مغزی، فلج‌شدن و... ممکن است موجب ناتوانی جنسی مرد شود.

۵. ناتوانی در اثر مصرف برخی داروها: مصرف برخی از داروها همچون داروهای ضد فشارخون، داروهای عصبی، داروهای ضد افسردگی و اضطراب، داروهای شیمی‌درمانی، آرام‌بخش‌ها، خواب‌آورها، داروهای توهم‌زا، داروهای درمان مشکلات پروستات و... می‌تواند موجب عنن در مرد شود.

۶. ناتوانی در اثر مصرف مواد مخدر: از جمله علل دیگری که می‌تواند باعث اختلال در برخاستن آلت تناسلی مرد گردد، می‌توان به کشیدن سیگار و قلیان، مصرف مشروبات الکلی، هروئین، کوکائین و... اشاره نمود (اسمیت، ۱۳۸۰، صص ۱۸۴-۱۸۶؛ دیوی، ۱۳۸۹، ج ۲، صص ۴۷-۴۸).

۱-۳. درمان بیماری عنن

درمان‌های ناتوانی جنسی به چهار گروه تقسیم می‌شود:

۱. درمان‌های دارویی: برای درمان دارویی ناتوانی جنسی می‌توان به سه روش دارو تجویز نمود: خوراکی، تزریقی به داخل مجرای آلت، و تزریقی به داخل ریشه آلت. علاوه بر داروهای شیمیایی، داروهای گیاهی همچون مکمل گیاه ژینگو، روغن اسانس یاسمن، اسانس گل میمونی صورتی، اسانس گل میمونی چسبنده گل، و گل داروی شیر مرغ نیز برای درمان ناتوانی جنسی وجود دارد (گاتلب، ۱۹۹۵م، صص ۳۹۰-۳۹۱).

۲. درمان‌های روان‌شناختی: درمان نوع روانی این بیماری با برطرف‌شدن مسئله روانی یا اختلال رابطه و رفتار امکان‌پذیر است.

۳. درمان‌های جراحی: در موارد بسیار نادر که ناتوانی جنسی با درمان‌های دارویی و





روان‌شناختی بهبود نمی‌یابد، جراح اورولوژی وارد عمل می‌شود. این جراحی‌ها شامل پمپ مکش یا واکيوم و پیوند آلت مصنوعی است (اسمیت، ۱۳۸۰، صص ۱۸۶-۱۸۹؛ دیوی، ۱۳۸۹، ج ۲، صص ۵۰-۵۲).

۴. تغذیه‌درمانی: با رژیم غذایی توصیه‌شده از جانب پزشک می‌توان تا حدودی ناتوانی جنسی را بهبود بخشید. مصرف آب، میوه‌جات تازه مانند انگور، پرتقال، سیب، هلو، گلابی، آناناس، هندوانه، و سبزیجاتی چون هویج، خیار، لبو و همچنین اسفناج، حبوبات، لبنیات، سیر، عسل، پیاز، کشک و غذاهای غنی از ویتامین‌های آ، ب، ث، و ای، برای درمان ناتوانی جنسی بسیار مفید است. بیمار باید تا حد ممکن از مصرف چای، قهوه، غذاهای تصفیه‌شده، غذاهای کنسرو شده، آرد و شکر سفید و محصولات آنها پرهیز کند (محتشمی توتکابی، ۱۳۸۵، صص ۴۵-۴۶).

۲. دیدگاه‌های فقهی راجع به میزان دیه آلت تناسلی عنین و ارزیابی آنها

۲-۱. دیدگاه نخست (ثبوت ثلث دیه)

مشهور فقیهان امامیه در این دسته قرار می‌گیرند. ایشان معتقدند که در قطع آلت تناسلی عنین، ثلث دیه کامل نفس ثابت است. البته کلمات فقیهان در بیان این دیدگاه متفاوت است؛ برخی با لفظ «مشهور» از آن یاد کرده‌اند (علامه حلی، ۱۴۱۳ق، ج ۹، ص ۴۳۶؛ مقدس اردبیلی، ۱۴۰۳ق، ج ۱۴، ص ۴۱۱) و برخی آن را به «أشهر» نسبت داده‌اند (طباطبائی، ۱۴۱۸ق، ج ۱۶، ص ۴۷۸)؛ این در حالی است که شیخ طوسی در «خلاف» این قول را «اجماعی» معرفی نموده است (طوسی، ۱۴۰۷ق، ج ۵، ص ۲۰۲).

ظاهراً اولین فقهی که بدین دیدگاه متمایل شده، شیخ طوسی در «خلاف» و «نهایه» است که در این باره چنین می‌نگارد: «در قطع آلت عنین یک‌سوم دیه آلت سالم ثابت است» (طوسی، ۱۴۰۷ق، ج ۵، ص ۲۰۲؛ طوسی، ۱۴۰۰ق، ص ۷۶۹). پس از ایشان از میان فقیهان متقدم، قطب‌الدین کیدری در «اصباح الشیعه» (قطب‌الدین کیدری، ۱۴۱۶ق، ص ۵۰۷) و ابن ادریس در «سرائر» (ابن ادریس، ۱۴۱۰ق، ج ۳، ص ۳۹۹) به دیدگاه مزبور گرویده‌اند.

شهید ثانی، فقیه شیعه قرن دهم هجری نیز از موافقان قول مشهور است: «در بریدن آلت عنین یک‌سوم دیه ثابت است، زیرا آلت تناسلی عنین فاسد است و دیه عضو فاسد یک‌سوم دیه آن عضو در صورت سالم بودن آن است» (شهید ثانی، ۱۴۱۰ق، ج ۱۰، ص ۲۳۶).
فاضل هندی نیز ضمن اشاره به مشهور بودن دیدگاه مزبور، قائل به ثبوت ثلث دیه کامل شده است (فاضل هندی، ۱۴۱۶ق، ج ۱۱، ص ۳۹۵). پس از ایشان علی طباطبایی در دو اثر فقهی خود «ریاض المسائل» و «الشرح الصغیر» این دیدگاه را اظهر و أشهر دانسته است (طباطبائی، ۱۴۱۸ق، ج ۱۶، ص ۴۷۸؛ طباطبائی، ۱۴۰۹ق، ج ۳، ص ۴۹۴).

مشهور فقیهان معاصر نیز به دیدگاه «ثبوت ثلث دیه در قطع آلت تناسلی عنین» گرویده‌اند (خمینی، ۱۴۲۷ق، ج ۲، ص ۵۸۳؛ سبزواری، ۱۴۱۳ق، ج ۲۹، ص ۲۲۹؛ تبریزی، ۱۴۲۸ق، ص ۱۹۷؛ فاضل لنگرانی، ۱۴۲۹ق، ص ۱۹۵؛ روحانی، ۱۴۱۲ق، ج ۲۶، ص ۲۸۹؛ حسینی شیرازی، ۱۴۰۸ق، ص ۳۲۱).

۲-۱-۱. مستندات دیدگاه

تتبع در آثار و کلمات فقیهانی که در این گروه قرار می‌گیرند، مبین این امر است که ایشان به ادله مختلفی در اثبات مدعای خویش تمسک جسته‌اند که در ذیل بدان‌ها اشاره می‌شود:

۱. اجماع: شیخ طوسی در «خلاف» بر این قول ادعای اجماع نموده است (طوسی، ۱۴۰۷ق، ج ۵، ص ۲۰۲). صاحب ریاض و صاحب جواهر نیز این نظریه را به همه فقیهان متأخر نسبت داده‌اند (طباطبائی، ۱۴۱۸ق، ج ۱۶، ص ۴۷۸؛ نجفی، ۱۴۰۴ق، ج ۴۳، ص ۲۶۸)؛ چنان‌که با تتبع در آثار مکتوب فقیهان متأخر، نظریه‌ای مخالف مشهور در فرض مسئله یافت نشد.

۲. فلج بودن آلت تناسلی عنین: آلت تناسلی عنین به دلیل عدم توانایی بر نزدیکی، همانند عضو فلج است و یا به عبارتی به منزله عضو فلج است؛ لذا مانند اعضای فلج، ثلث دیه همان عضو بر آن ثابت است (علامه حلی، ۱۴۱۳ق، ج ۹، ص ۴۳۶؛ فیض کاشانی، بی‌تا، ج ۲، ص ۱۵۲؛ تبریزی، ۱۴۲۸ق، ص ۲۹۳). این در حالی است که قاعده «ثبوت ثلث دیه عضو سالم در اعضای فلج» مستند به روایات است؛ از جمله: ۱. روایت حکم بن عتیبه از امام باقر علیه السلام





که فرمودند: «هر کدام از اعضای فلج بدن ثلث دیه عضو سالم بر آن ثابت است»^۱ (حر عاملی، ۱۴۰۹، ج ۲۹، ص ۳۴۵)، ۲. صحیحه برید بن معاویه از امام باقر علیه السلام که فرمودند: «در زبان لال و چشم کور و آلت تناسلی اخته و بیضه‌های او یک‌سوم دیه ثابت است»^۲ (حر عاملی، ۱۴۰۹، ج ۲۹، ص ۳۳۶)، و ۳. روایت هشام بن سالم از ابی بصیر:

برخی از خاندان زراره از امام باقر علیه السلام در مورد مردی که زبان شخص لالی را قطع کرد پرسیدند، امام فرمودند: «اگر مادرزاد لال بوده ثلث دیه بر جانی ثابت است و یا اگر پس از آنکه مدت زمانی صحبت می‌کرده و سپس به سبب عارضه و آفتی لال شده باشد، در این صورت نیز ثلث دیه بر جانی ثابت است و در دو چشم و دیگر اعضای بدن نیز همین حکم ثابت است و این حکم را این‌گونه در کتاب امیرالمؤمنین یافتیم»^۳ (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۷، ص ۳۱۸، ح ۷).

۳. اصل برائت ذمه: اصل برائت ذمه جانی از مقدار زائد بر یک‌سوم است (مقدس اردبیلی، ۱۴۰۳، ج ۱۴، ص ۴۱۱).

۲-۱-۲. ارزیابی و نقد نظریه

۱. ایراد بر دلیل «اجماع»: به نظر می‌رسد ادعای شیخ طوسی در «خلاف» به تحقق اجماع در فرض مسئله خالی از مناقشه نیست؛ زیرا اولاً چگونگی می‌توان ادعای اجماع شیخ طوسی را پذیرفت در حالی که برخی از فقیهان متقدم پیش از ایشان چون ابن جنید اسکافی و شیخ صدوق در فرض مسئله قائل به ثبوت دیه کامل شده‌اند؟ ثانیاً چنان‌که برخی از فقیهان معاصر نیز اذعان نموده‌اند، ادعای اجماع شیخ طوسی در خلاف، در مقابل اهل سنت است که در فرض مسئله قائل به ارش شده‌اند (شوشتری، ۱۴۰۶، ج ۱۱، ص

۱. «وَكُلُّ مَا كَانَ مِنْ سَلَلٍ فَهُوَ عَلَى الثُّلُثِ مِنْ دِيَةِ الصَّحَّاحِ».

۲. «فِي لِسَانِ الْأَخْرَسِ وَعَيْنِ الْأَعْمَى وَذَكَرِ الْخَصِيِّ وَأُنْثِيَةِ ثُلُثِ الدِّيَةِ».

۳. «قَالَ سَأَلَهُ بَعْضُ آلِ زُرَّارَةَ عَنْ رَجُلٍ قَطَعَ لِسَانَ رَجُلٍ أَخْرَسٍ [قَالَ] فَقَالَ إِنْ كَانَ وَلَدَتْهُ أُمُّهُ وَهُوَ أَخْرَسٌ فَعَلَيْهِ ثُلُثُ الدِّيَةِ وَإِنْ كَانَ لِسَانُهُ ذَهَبَ بِهِ وَجِئَ أَوْ آفَةٌ بَعْدَ مَا كَانَ يَتَكَلَّمُ فَإِنَّ عَلَى الذِّي قَطَعَ لِسَانَهُ ثُلُثَ دِيَةِ لِسَانِهِ قَالَ وَكَذَلِكَ الْقَضَاءُ فِي الْعَيْنَيْنِ وَالْجَوَارِحِ قَالَ هَكَذَا وَجَدْنَا فِي كِتَابِ عَلِيِّ عليه السلام».

۴۱۵)، لذا اجماعاءت شیخ در خلاف محل طعن است و ارزشی بر آن مترتب نمی‌شود.

۲. ایراد بر دلیل «فلج بودن آلت تناسلی عنین»: استناد به این دلیل نیز مورد مناقشه است، زیرا ملحق نمودن آلت تناسلی عنین به‌طور مطلق به عضو فلج صحیح نیست، چرا که غیر از آلت فلج است؛ زیرا آلت فلج به‌هیچ‌وجه قدرت نزدیکی ندارد (شوشتری، ۱۴۰۶ق، ج ۱۱، ص ۴۱۵) و به عبارتی آلت تناسلی دچار نعوظ نمی‌شود (حسینی عاملی، ۱۳۲۶ق، ج ۱۰، ص ۴۴۶)، در حالی که در آلت تناسلی عنین هر دو حالت نعوظ و عدم نعوظ ممکن است؛ یعنی در برخی موارد ممکن است اصلاً نعوظ رخ ندهد و در برخی موارد نعوظ ایجاد شود.

۳. ایراد بر دلیل «اصل براءت»: استناد به اصول عملیه نیز محل اشکال است، زیرا استناد به این اصول در جایی است که دلیل نباشد (الأصل دلیل حیث لا دلیل)، حال آنکه در فرض مسئله، روایت سکونی از امام صادق علیه السلام در دست است که دلالت بر «ثبوت دیه کامل در قطع آلت عنین» دارد؛ لذا از آنجا که در محل بحث دلیل وجود دارد، قهراً جای استناد به اصل نیست.

۲-۲. دیدگاه دوم

برخی از فقیهان متقدم و معاصر در مورد دیه آلت عنین، همانند آلت تناسلی سالم، قائل به ثبوت دیه کامل شده‌اند. ظاهراً ابن جنید اسکافی اولین فقیهی است که به این دیدگاه متمایل شده است و پس از ایشان شیخ صدوق در «المقنع» دیدگاه مزبور را پذیرفته است (صدوق، ۱۴۱۵ق، ص ۵۲۲).

از میان فقیهان معاصر، مرحوم خوئی دیدگاه «ثبوت دیه کامل در آلت عنین» را أظهر دانسته است. صریح کلام ایشان چنین است:

«نظر مشهور فقها این است که در قطع آلت تناسلی فردی که فاقد قدرت

آمیزش جنسی است یک‌سوم دیه ثابت است، ولی این نظر خالی از اشکال

نیست و أظهر این است که دیه کامل ثابت است» (خوئی، ۱۴۲۲ق، ج ۲، ص ۳۸۹).

از دیگر معاصران پیرو این نظریه، جواد تبریزی در «تنقیح مبانی الأحکام» (تبریزی،



فقه



۱۴۲۸ق، ص ۱۹۷) و محمدتقی شوشتری در «النجعة فی شرح اللمعة» است (شوشتری، ۱۴۰۶ق، ج ۱۱، صص ۴۱۵-۴۱۶).

۲-۱. مستندات دیدگاه

مستندات این دیدگاه را می‌توان در چند دسته قرار داد:

۱. اطلاق روایات مربوط به ثبوت دیه کامل در قطع آلت تناسلی مرد (نجفی، ۱۴۰۴ق، ج ۴۳، ص ۲۶۹). از جمله این روایات است:
 - صحیححه حلبی از امام صادق علیه السلام که فرمودند: «در قطع آلت تناسلی مرد از حشفه و بالاتر دیه ثابت است»^۱ (حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۲۹، ص ۲۸۵، ح ۴).
 - صحیححه عبدالله بن سنان از امام صادق علیه السلام که فرمودند: «اگر آلت مرد را از حشفه قطع کنند، دیه آن را باید بدهند»^۲ (حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۲۹، ص ۲۸۵، ح ۵).
 - صحیححه عبدالله بن سنان از امام صادق علیه السلام که فرمودند: «در قطع آلت تناسلی مرد از حشفه صد شتر ثابت است، در صورتی که جنایت خطایی باشد نه عمد»^۳ (حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۲۹، ص ۲۸۸، ح ۱۴).
 - صحیححه زراره از امام صادق علیه السلام که فرمودند: «در قطع آلت تناسلی مرد از حشفه و بالاتر، یک دیه ثابت است»^۴ (حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۲۹، ص ۲۸۵، ح ۶).
 - صحیححه برید عجلی از امام باقر علیه السلام که فرمودند: «در قطع آلت تناسلی غلام دیه کامل است»^۵ (حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۲۹، ص ۳۳۹، ح ۱).
 - روایت سماعة از امام صادق علیه السلام که فرمودند: «در آلت تناسلی مرد اگر قطع شود دیه کامل ثابت است»^۶ (حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۲۹، ص ۲۸۶، ح ۱۰).

۱. «وَفِي الذَّكْرِ إِذَا قُطِعَتِ الْحَشْفَةُ وَ مَا فَوْقَ الدِّيَةِ.»

۲. «وَفِي الذَّكْرِ إِذَا قُطِعَ مِنْ مَوْضِعِ الْحَشْفَةِ الدِّيَةُ.»

۳. «وَدِيَةُ ذَكَرِ الرَّجُلِ إِذَا قُطِعَ مِنَ الْحَشْفَةِ مِائَةٌ مِنَ الْإِبِلِ عَلَى أَشْبَابِ الْخَطِّ دُونَ الْعَمْدِ.»

۴. «وَفِي الذَّكْرِ إِذَا قُطِعَتِ الْحَشْفَةُ فَمَا فَوْقَ ذَلِكَ الدِّيَةُ.»

۵. «فِي ذَكَرِ الْغُلَامِ الدِّيَةُ كَامِلَةٌ.»

۶. «وَفِي الذَّكْرِ إِذَا قُطِعَ الدِّيَةُ كَامِلَةٌ.»

- روایت علاء بن فضیل از امام صادق علیه السلام که فرمودند: «در قطع آلت تناسلی مرد دیه کامل است»^۱ (حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۲۹، ص ۲۸۷، ح ۱۱).

- روایت سکونی از امام صادق علیه السلام که فرمودند: «امیرالمؤمنین علیه السلام فرمودند: "در قطع آلت تناسلی کودک دیه ثابت است"»^۲ (حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۲۹، ص ۳۳۹، ح ۲).

- در کتابی که یونس آن را بر امام رضا علیه السلام عرضه کرده و امام آن را تأیید کرده، آمده است: «اگر آلت مرد را از بیخ قطع کنند، هزار دینار ثابت است»^۳ (حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۲۹، ص ۲۸۴، ح ۲).

۲. روایت سکونی از امام صادق علیه السلام که فرمودند: «امیرالمؤمنین علیه السلام فرمودند: "در قطع آلت تناسلی کودک، دیه کامل، و در قطع آلت تناسلی عنین، دیه کامل، ثابت است»^۴ (حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۲۹، ص ۳۳۹، ح ۲)؛ لذا مطابق با روایت مزبور دیه قطع آلت تناسلی کودک و آلت تناسلی عنین با هم برابر و آن دیه کامل نفس است.

۲-۲-۲. بررسی سندی روایت سکونی

«اسماعیل بن ابی‌زیاد سکونی شعیری» یکی از راویان مشهور و پرتکرار در کتب روایی امامیه است. نام این راوی در سند ۱۱۳۷ روایت از روایات کتب اربعه دیده می‌شود. فقیهان و رجالیان درباره مذهب سکونی دو نظر ارائه داده‌اند: عامی مذهب و امامی مذهب.

شیخ طوسی در «العهده» اولین کسی است که سکونی را عامی مذهب معرفی نموده است (طوسی، ۱۴۱۷ق، ج ۱، ص ۱۴۹). پس از شیخ نیز برخی از علما، اذعان به عامی مذهب بودن سکونی نموده‌اند (ابن‌ادریس، ۱۴۱۰ق، ج ۳، ص ۲۸۹؛ ابن‌داود، ۱۳۸۳ق، ص ۴۲۶،

۱. «وَذَكَرَ الرَّجُلُ الدِّيَةَ تَامَةً».

۲. «قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ علیه السلام فِي ذِكْرِ الصَّبِيِّ الدِّيَةُ وَفِي ذِكْرِ الْعَيْنِ الدِّيَةُ».

۳. «وَالذَّكَرُ إِذَا اشْتُؤِصِلَ أَلْفُ دِينَارٍ».

۴. «عَلِيٌّ عَنْ أَبِيهِ عَنِ التَّوْقَلِيِّ عَنِ السَّكُونِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام قَالَ قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ علیه السلام فِي ذِكْرِ الصَّبِيِّ الدِّيَةُ وَفِي ذِكْرِ الْعَيْنِ الدِّيَةُ».





ش ۵۳؛ تفرشی، ۱۴۱۸ق، ج ۱، ص ۲۰۹؛ علامه حلی، ۱۳۸۱، ص ۱۹۹، ش ۳. اما در مقابل برخی دیگر از علما، سکونی را امامی مذهب معرفی نموده‌اند؛ از جمله ملامحمدتقی مجلسی که سکونی را به دلیل اینکه در همه ابواب فقه از ائمه نقل روایت دارد و ائمه نیز از وی تقیه نمی کرده‌اند، شیعه مذهب می‌داند (مجلسی اول، ۱۴۰۶ق، ج ۱۴، ص ۵۹). محدث نوری نیز با توجه به محتوای روایات منقول از سکونی که برخی از آنها نقل آموزه‌های مختص شیعه است و همچنین به دلیل نوع برخورد ائمه با سکونی، قائل به شیعه بودن وی شده است (محدث نوری، ۱۴۱۷ق، ج ۴، صص ۱۶۶-۱۶۷).

در خصوص وثاقت و یا ضعف سکونی نیز میان علما اختلاف نظر وجود دارد، چنان که در این مورد نیز علما به دو گروه تقسیم شده‌اند:

برخی فقها چون شیخ صدوق، علامه حلی و شهید ثانی، وی را ضعیف دانسته‌اند (صدوق، ۱۴۱۳ق، ج ۴، ص ۳۴۴؛ علامه حلی، ۱۴۱۲ق، ج ۳، ص ۶۵؛ شهید ثانی، ۱۴۱۳ق، ج ۱۵، ص ۲۲۳). در مقابل برخی دیگر از علما وثاقت سکونی را مورد تأیید قرار داده‌اند؛ از جمله شیخ طوسی، محقق حلی و وحید بهبهانی (شیخ طوسی، ۱۴۱۷ق، ج ۱، ص ۱۴۹؛ محقق حلی، ۱۴۰۷ق، ج ۱، ص ۲۵۲؛ بهبهانی، ۱۴۱۳ق، ص ۲۷).

دلیل ضعیف بودن سکونی در نزد برخی از علما، عامی مذهب بودن ایشان است، اما بر این استدلال اشکال وارد شده است؛ زیرا اولاً گرچه برخی از علما قائل به عامی مذهب بودن ایشان شده‌اند، در مقابل برخی دیگر از علما قائل به شیعه بودن او شده‌اند، ثانیاً حتی بر فرض پذیرش عامی بودن سکونی، فساد مذهب، مبنای وثاقت راوی نیست تا بتوان وی را غیرثقه خواند، بلکه امانت‌داری و راست‌گویی مبنای وثاقت راوی است که این با فساد مذهب سازگاری دارد و بنای علمای شیعه نیز عمل به روایات راویان فاسدالمذهب به شرط ثقه بودن است (طوسی، ۱۴۱۷ق، ج ۱، ص ۱۴۹).

همچنین قول شیخ صدوق در الفقیه که اذعان داشته «وَلَا أُفْتِي بِمَا يَنْفَرِدُ السَّكُونِيُّ بِرِوَايَتِهِ» (صدوق، ۱۴۱۳ق، ج ۴، ص ۳۴۴) قابل انتقاد است، زیرا شیخ صدوق در موارد بسیاری به مفردات سکونی عمل نموده است، از جمله در مسئله حاضر که شیخ صدوق نیز از جمله کسانی است که در مورد دیه قطع آلت تناسلی عنین، قائل به ثبوت دیه کامل شده

است و این در حالی است که مستند اصلی این قول، روایت منقول از سکونی است. آنچه نهایتاً در بحث از این روایت جنجالی می‌توان گفت، چنین است که بحث از مذهب سکونی ثمره و ارزش خاصی ندارد، زیرا حتی بر فرض عامی مذهب بودن ایشان، بیشتر روایات وی مورد پذیرش و عمل علما قرار گرفته است و فقیهان بسیاری نیز وی را توثیق نموده‌اند؛ از جمله شیخ طوسی در «العهده» که با اذعان به «عمل اصحاب به روایات سکونی» (طوسی، ۱۴۱۷ق، ج ۱، ص ۱۴۹) در واقع وثاقت ایشان را تأیید نموده است. همچنین می‌توان به فقیه نامدار، محقق حلی، اشاره نمود که صراحتاً اذعان به وثاقت ایشان نموده است.

۲-۲-۳. ارزیابی دیدگاه

مستندات دیدگاه مزبور با اشکالاتی به قرار ذیل مواجه شده است:

۱. اطلاق و یا عموم روایات دال بر «ثبوت دیه کامل در آلت تناسلی مرد» قابل تقیید در حالتی است که آلت تناسلی عنین نباشد و این تقیید را شهرت و اصل برائت ذمه از مقدار زائد بر یک‌سوم تأیید می‌نماید (مقدس اردبیلی، ۱۴۰۳ق، ج ۱۴، ص ۴۱۱).
۲. استناد به روایت سکونی از چند جهت مورد مناقشه است؛ اولاً مشهور فقیهان امامیه اعراض مشهور از روایت را موجب اسقاط حجیت روایت می‌دانند. در محل بحث نیز فقهای امامیه از روایت سکونی اعراض و به آن عمل ننموده‌اند (نجفی، ۱۴۰۴ق، ج ۴۳، ص ۲۶۹؛ مطهری، ۱۴۰۱ق، ص ۲۰۱) و لذا اعراض مشهور سبب اسقاط حجیت و رفع ید از روایت معتبر سکونی و التزام به خروج دیه آلت عنین از عمومات و اطلاقات دیه کامل آلت تناسلی می‌شود. ثانیاً روایت را می‌توان به اشکال دیگر توجیه نمود؛ چنان که صاحب جواهر این‌گونه تفسیر نموده است: «در روایت سکونی منظور امیرالمؤمنین این است که آلت عنین دیه دارد» (نجفی، ۱۴۰۴ق، ج ۴۳، ص ۲۶۹)، یعنی روایت بر اصل دیه‌داشتن آلت عنین حمل می‌شود، نه بر مقدار دیه (سبزواری، ۱۴۱۳ق، ج ۲۹، ص ۲۲۹). مرحوم حسینی شیرازی نیز روایت را این‌گونه تفسیر نموده است: «در روایت ممکن است مراد از دیه کامل، دیه کامل مقررده یعنی ثلث دیه باشد نه دیه کامل بدن» (حسینی شیرازی، ۱۴۰۸ق، ص ۳۲۱).



فقه

۲-۳. دیدگاه سوم

مرحوم مدنی کاشانی در «کتاب الدیات» دیدگاهی تفصیلی ارائه داده است. صریح کلام ایشان چنین است: «در قطع آلت تناسلی عنین، اگر عنین بودن آلت تناسلی مرد به سبب آفت و بیماری در خود آلت باشد که سبب فلج شدن آن نیز شده باشد، همانند سایر اعضای فلج، ثلث دیه کامل بر جانی واجب است - و ممکن است نظر شیخ طوسی در خلاف که در قطع آلت عنین قائل به ثبوت ثلث دیه کامل شده و بر آن ادعای اجماع و اخبار نموده است، اجماع و روایات وارده در مورد دیه عضو فلج باشد که شامل آلت عنین فلج نیز می‌شود - اما اگر عنین بودن آلت تناسلی مرد به سبب آفت و بیماری باشد که منشأ ناتوانی جنسی مرد شده باشد و آلت فی نفسه سالم باشد، در این صورت دیه کامل واجب است؛ زیرا دلیلی برای خروج این مورد از عموماًت دیه آلت تناسلی مرد وجود ندارد، خصوصاً با تأیید روایت سکونی» (مدنی کاشانی، ۱۴۰۸ق، ص ۲۴۰).

چنان که از عبارات مرحوم مدنی کاشانی مشخص است، ایشان در مورد دیه قطع آلت تناسلی عنین، با توجه به «علل ناتوانی جنسی مرد» قائل به تفصیل شده‌اند و دو نوع دیه را با توجه به حالت‌های مختلف برای آلت عنین به قرار ذیل در نظر گرفته‌اند:

۱. اگر ناتوانی جنسی شخص عنین به سبب معیوب بودن خود آلت باشد، نه اینکه عدم نعوظ و یا عدم قدرت بر نزدیکی به سبب عواملی غیر از آلت همچون عوامل روحی-روانی، مصرف مواد مخدر و... باشد، در این موارد ثلث دیه کامل بر مجنی‌علیه ثابت است. ایشان در واقع به عوامل جسمانی که موجب ضعف و سستی آلت شده اشاره نموده‌اند که در این صورت آلت تناسلی عنین، فلج محسوب می‌گردد و لذا از آنجا که در قطع هر عضو فلج ثلث دیه عضو سالم واجب است، در اینجا نیز به تبعیت از این قاعده مشهور که برگرفته از روایات نیز است، ثلث دیه کامل بر مجنی‌علیه ثابت است.



۲. اما اگر ناتوانی جنسی شخص عنین به سبب عوامل غیر جسمانی که پیشتر در بخش مقدماتی بدان اشاره شد باشد، چون عضو آلت سالم بوده و عیب فی الواقع مربوط به خود عضو نیست، لذا همانند اعضای سالم، دیه کامل بر قطع آن ثابت است. عوامل غیر جسمانی که سبب ضعف و سستی آلت می گردد به قرار ذیل اند: ۱. عوامل روحی - روانی چون افسردگی، استرس، وحشت و احساس گناه، ۲. عوامل انحراف جنسی چون روابط نامشروع با زنان و همجنس گرایی، ۳. بیماری های جانبی چون دیابت قندی و سکنه مغزی، ۴. مصرف برخی داروها چون داروهای ضد افسردگی و اضطراب، داروهای شیمی درمانی و داروهای آرام بخش، و ۵. مصرف مواد مخدر چون هروئین و کوکائین.

۲-۳-۱. ارزیابی نظریه

دیدگاه تفصیلی ایشان در واقع جمع میان دو نظریه پیشین است، یعنی در صورت فلج بودن آلت عنین، ثلث دیه کامل و در صورت فلج نبودن آن، دیه کامل بر جانی ثابت است. چنان به نظر می رسد که در این دیدگاه در حالت اول، یعنی وقتی ناتوانی جنسی شخص عنین به دلیل معیوب بودن خود آلت تناسلی باشد که در آن ثلث دیه ثابت است، بتوان به روایات خصوص ثبوت ثلث دیه در آلت تناسلی عنین استناد نمود، و در حالت دوم، یعنی وقتی ناتوانی جنسی شخص عنین به دلیل عوامل غیر جسمانی باشد که در آن دیه کامل ثابت است، از آنجا که خود عضو سالم بوده و معیوب بودن آن مربوط به عوامل دیگری چون عوامل روحی-روانی، انحرافات جنسی، بیماری های جانبی، و مصرف برخی داروها است، می توان به عموم و اطلاق روایات دال بر ثبوت دیه کامل در قطع آلت تناسلی مرد استناد و دیه کامل را ثابت نمود.

حاصل کلام اینکه با توجه به اشکالات و مناقشات وارده بر دیدگاه های «ثبوت ثلث دیه» و دیدگاه «ثبوت دیه کامل» و قابل توجیه نبودن این ایرادات، و از طرف دیگر، مستند بودن دیدگاه تفصیلی مرحوم مدنی کاشانی و قابل خدشه نبودن این دیدگاه، نظریه اخیر قابل دفاع و وجیه به نظر می رسد.



۳. نتیجه‌گیری

مطابق آنچه در نوشتار حاضر گذشت، در باب دیه قطع آلت تناسلی عنین، سه دیدگاه در فقه امامیه بازشناسی شده است؛ نخستین دیدگاه، قول مشهور، یعنی ثبوت ثلث دیه است، اما مستندات این دیدگاه مورد مناقشه است؛ زیرا اولاً اجماع ادعایی بر این قول ناتمام و غیرمحقق است، به دلیل مخالفت برخی از فقهای متقدم بر شیخ طوسی با دیدگاه مشهور، و از طرفی نیز محل طعن بودن اجتماعات شیخ در خلاف. ثانیاً ادعای فلج بودن آلت عنین و در نتیجه ثبوت ثلث دیه در آن همانند اعضای فلج ناتمام است، زیرا دلیل اخص از مدعا است. ثالثاً ادعای برائت ذمه بر بیش از یک سوم دیه نیز مردود است، زیرا محل جریان اصول عملیه جایی است که دلیل و اماره‌ای بر حکم واقعی نباشد.

دیدگاه دوم، ثبوت دیه کامل در قطع آلت تناسلی عنین است که مستندات این دیدگاه نیز مورد خدشه است؛ زیرا اطلاق روایات مربوط به ثبوت دیه کامل در قطع آلت تناسلی مرد مقید به آلت غیرعنین است و روایت سکونی از امام صادق علیه السلام نیز با وجود صحیح بودن، مورد اعراض مشهور فقیهان قرار گرفته است، لذا فاقد حجیت شرعی است. دیدگاهی که قابل توجیه و دفاع است، نظریه تفصیلی مرحوم مدنی کاشانی است که در حالت معیوب بودن آلت تناسلی عنین به جهت خود آلت (عوامل جسمانی) قائل به ثبوت ثلث دیه است و در این مورد می‌توان به روایات دال بر ثبوت ثلث دیه در اعضای فلج استناد نمود و در حالت معیوب بودن آلت به جهت عوامل غیرجسمانی (عوامل روحی-روانی و...) قائل به ثبوت دیه کامل است و در این مورد نیز می‌توان به اطلاق و عموم روایات دال بر ثبوت دیه کامل در قطع آلت تناسلی مرد استناد نمود.

در پایان پیشنهاد می‌گردد با توجه به دستاوردهای پژوهش، بخش اخیر ماده ۶۶۲ قانون مجازات اسلامی: «... لکن در قطع اندام عنین ثلث دیه کامل ثابت است» که مطابق دیدگاه مشهور سامان یافته، با توجه به دیدگاه تفصیلی مرحوم مدنی اصلاح گردد.



فصل

فهرست منابع

۱. ابن ادریس، محمد بن احمد. (۱۴۱۰ق). السرائر الحاوی لتحریر الفتاوی (ج ۳، چاپ دوم). قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۲. ابن داود، حسن بن علی. (۱۳۸۳). رجال ابن داود (چاپ اول). تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
۳. ابن منظور، محمد بن مکرم. (۱۴۱۴ق). لسان العرب (ج ۴ و ۱۳، چاپ سوم). بیروت: دار الفکر للطباعة و النشر و التوزیع-دار صادر.
۴. اسمیت، دونالد ریجوی. (۱۳۸۰). اورولوژی-ارتوپدی (مترجمان: مهدی روحانی و محسن غفوریان، چاپ اول). تهران: نشر کتاب میر.
۵. انصاری، مرتضی بن محمد امین. (۱۴۱۵ق). کتاب النکاح (چاپ اول). قم: کنگره جهانی بزرگداشت شیخ اعظم انصاری.
۶. بهبهانی، محمدباقر بن محمد اکمل. (۱۴۱۳ق). تعلیقه علی منهج المقال (چاپ اول). قم: مکتبه اهل البيت علیهم السلام.
۷. تبریزی، جواد. (۱۴۲۸ق). تفتیح مبانی الاحکام - کتاب الدیات (چاپ اول). قم: دار الصدیقه الشهیده علیها السلام.
۸. تفرشی، مصطفی بن حسین. (۱۴۱۸ق). نقد الرجال (ج ۱، چاپ اول). قم: مؤسسه آل البيت.
۹. حر عاملی، محمد بن حسن. (۱۴۰۹ق). تفصیل وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه (ج ۲۹، چاپ اول). قم: مؤسسه آل البيت علیهم السلام.
۱۰. حسینی شیرازی، محمد. (۱۴۰۸ق). الفقه: کتاب الدیات (چاپ اول). قم: مکتبه الإمام المهدی علیه السلام.
۱۱. حسینی عاملی، محمد جواد بن محمد. (۱۳۲۶ق). مفتاح الکرامه فی شرح قواعد العلامه (ج ۱۰، چاپ اول). بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۱۲. خمینی، سید روح الله. (۱۴۲۷ق). تحریر الوسیله (ج ۲، چاپ اول). قم: مؤسسه مطبوعات دار العلم.
۱۳. خویی، ابوالقاسم. (۱۴۲۲ق). مبانی تکملة المنهاج (ج ۲، چاپ اول). قم: مؤسسه احیاء آثار الإمام الخوئی علیه السلام.
۱۴. دیوی، گراهام. (۱۳۸۹). آسیب شناسی روانی: تحقیق، سنجش و درمان در روان شناسی بالینی (مترجم: مهدی گنجی، چاپ اول). تهران: نشر ساوالان.



١٥. روحاني، صادق. (١٤١٢ق). فقه الصادق عليه السلام (ج ٢٦، چاپ چهارم). قم: دار الكتاب - مدرسه امام صادق عليه السلام.
١٦. سيزواري، سيد عبدالاعلى. (١٤١٣ق). مهذب الأحكام فى بيان الحلال و الحرام (ج ٢٩، چاپ چهارم). قم: مؤسسة المنار - دفتر حضرت آية الله.
١٧. شوشترى، محمدتقى. (١٤٠٦ق). النجعة فى الشرح للمعه (ج ١١، چاپ اول). تهران: كتاب فروشى صدوق.
١٨. شهيد ثانى، زين الدين بن على. (١٤١٠ق). الروضة البهية فى شرح اللمعة الدمشقية (ج ١٠، چاپ اول). قم: كتاب فروشى داورى.
١٩. شهيد ثانى، زين الدين بن على. (١٤١٣ق). مسالك الأفهام إلى تنقيح شرائع الاسلام (ج ١٥، چاپ اول). قم: مؤسسة المعارف الإسلامية.
٢٠. صدوق، محمد بن على بن بابويه. (١٤١٣ق). من لا يحضره الفقيه (ج ٤، چاپ دوم). قم: دفتر انتشارات اسلامى وابسته به جامعه مدرسين حوزه علميه قم.
٢١. صدوق، محمد بن على بن بابويه. (١٤١٥ق). المقنع (چاپ اول). قم: مؤسسه امام هادى عليه السلام.
٢٢. صمدانى فرد، محمد؛ و صمدانى فرد، حسين. (١٣٨٩). ناتوانى جنسى در مردان (چاپ اول). تهران: ارجمند.
٢٣. طباطبائى، على بن محمد على. (١٤٠٩ق). الشرح الصغير فى شرح مختصر النافع - حديقه المؤمنين (ج ٣، چاپ اول). قم: انتشارات كتابخانه آية الله مرعشى نجفى عليه السلام.
٢٤. طباطبائى، على بن محمد على. (١٤١٨ق). رياض المسائل (ج ١٦، چاپ اول). قم: مؤسسة آل البيت.
٢٥. طوسى، محمد بن حسن. (١٤٠٠ق). النهاية فى مجرد الفقه و الفتاوى (چاپ دوم). بيروت: دار الكتاب العربى.
٢٦. طوسى، محمد بن حسن. (١٤٠٧ق). الخلاف (ج ٥، چاپ اول). قم: دفتر انتشارات اسلامى وابسته به جامعه مدرسين حوزه علميه قم.
٢٧. طوسى، محمد بن حسن. (١٤١٧ق). الاجتهاد و التقليد (العدة فى اصول الفقه) (چاپ اول). قم: چاپخانه ستاره.
٢٨. علامه حلى، حسن بن يوسف. (١٣٨١). رجال العلامة الحلى - خلاصة الأقوال فى معرفة أحوال الرجال (چاپ دوم). نجف: منشورات المطبعة الحيدرية.



۲۹. علامه حلی، حسن بن یوسف. (۱۴۱۲ق). منتهی المطلب فی تحقیق المذهب (ج ۱۵)، چاپ اول. مشهد: مجمع البحوث الاسلامیه.
۳۰. علامه حلی، حسن بن یوسف. (۱۴۱۳ق). مختلف الشیعة فی أحكام الشریعة (ج ۹)، چاپ دوم. قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۳۱. فاضل لنکرانی، محمد. (۱۴۲۹ق). تفصیل الشریعة فی شرح تحریر الوسیلة (چاپ اول). قم: مرکز فقهی ائمه اطهار علیهم السلام.
۳۲. فاضل هندی، محمد بن حسن. (۱۴۱۶ق). کشف اللثام والإبهام عن قواعد الأحكام (ج ۱۱)، چاپ اول. قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۳۳. فیض کاشانی، ملامحسن. (بی تا). مفاتیح الشرائع (ج ۲)، چاپ اول. قم: انتشارات کتابخانه آیه الله مرعشی نجفی رحمته الله علیه.
۳۴. فیومی، احمد بن محمد. (۱۳۰۰ق). المصباح المنیر فی غریب الشرح الکبیر للرافعی (ج ۲)، چاپ اول. قم: منشورات دار الرضی.
۳۵. قطب الدین کیدری، محمد بن حسین. (۱۴۱۶ق). اصباح الشیعة بمصباح الشریعة (چاپ اول). قم: مؤسسه امام صادق علیه السلام.
۳۶. کلینی، محمد بن یعقوب. (۱۴۰۷ق). الکافی (ج ۷)، چاپ چهارم. تهران: دار الکتب الإسلامیة.
۳۷. کیانی، مهرداد؛ گودرزی، فرامرز. (۱۳۹۴). پزشکی قانونی برای دانشجویان رشته حقوق (چاپ دوازدهم). تهران: انتشارات سمت.
۳۸. گاتلیب، بیل. (۱۹۹۵م). روش های نوین درمان طبیعی (مترجم: رشاد مردوخی، چاپ چهارم). تهران: نشر نی.
۳۹. مجلسی اول، محمدتقی. (۱۴۰۶ق). روضة المتقین فی شرح من لایحضره الفقیه (ج ۱۴)، چاپ دوم. قم: مؤسسه فرهنگی اسلامی کوشان پور.
۴۰. محتشمی توتکابنی، رضا. (۱۳۸۵). تغذیه درمانی در بیماری های رایج (چاپ اول). تهران: نشر ثالث.
۴۱. محدث نوری، میرزا حسین. (۱۴۱۷ق). خاتمة المستدرک (ج ۴)، چاپ اول. قم: مؤسسه آل البيت علیهم السلام.



٤٢. محقق حلي، جعفر بن حسن. (١٤٠٧ق). المعتبر في شرح المختصر (ج ١، چاپ اول). قم: مؤسسه سيدالشهداء عليه السلام.
٤٣. مدني كاشاني، رضا. (١٤٠٨ق). كتاب الدييات (چاپ اول). قم: دفتر انتشارات اسلامي وابسته به جامعه مدرسين حوزه علميه قم.
٤٤. مطهري، احمد. (١٤٠١ق). مستند تحرير الوسيلة: كتاب دييات (چاپ اول). قم: مطبعة الخيام.
٤٥. مقدس اردبيلي، احمد بن محمد. (١٤٠٣ق). مجمع الفائدة والبرهان في شرح إرشاد الأذهان (ج ١٤، چاپ اول). قم: دفتر انتشارات اسلامي وابسته به جامعه مدرسين حوزه علميه قم.
٤٦. نجفي، محمدحسن. (١٤٠٤ق). جواهر الكلام في شرح شرائع الاسلام (ج ٤٣، چاپ هفتم). بيروت: دار إحياء التراث العربي.
٤٧. واسطي زبيدي، محمد مرتضى. (١٤١٤ق). تاج العروس من جواهر القاموس (ج ٥، چاپ اول). بيروت: دار الفكر للطباعة والنشر والتوزيع.



تف

References

1. Allama Heli, H. (1381 AP). *Rijal Al-Allamat Al-Heli – Kholasat al-Aqval fi Ma'arifat Ahwal al-Rijal*. (2nd Ed.). Najaf: Manshurat al-Matba'at Al-Haydariyah. [In Persian]
2. Allama Heli, H. (1412 AH). *Montahi al-Matlab fi Tahqiq al-Mazhab*. (vol. 15, 1st Ed.). Mashhad: Majma' al-Bahouth al-Islamiyah. [In Arabic]
3. Allama Heli, H. (1413 AH). *Mokhtalaf al-Shia fi Ahkam al-Shariat*. (Vol. 9, 2nd Ed.). Qom: Islamic Publications Office affiliated with the Qom Seminary Teachers Association. [In Arabic]
4. Ansari, M. (1415 AH). *Kitab al-Nikah*. (1st Ed.). Qom: World Congress in honor of Sheikh Azam Ansari. [In Arabic]
5. Behbahani, M. (1413 AH). *Tha'liqt ala Manhaj al-Maqal*. (1st Ed.). Qom: Maktabat Ahl al-Bayt. [In Arabic]
6. Davy, Graham. (1389 AP). *Psychopathology: Research, Assessment and Treatment in Clinical Psychology* (M. Ganji, Trans. 1st Ed.). Tehran: Savalan Publications. [In Persian]
7. Fadhil Hindi, M. (1416 AH). *Kashf al-Latham fi Shrah Tahrir al-Vasilat*. (vol. 11, 1st Ed.). Qom: Islamic Publications Office affiliated with the Qom Seminary Teachers Association. [In Arabic]
8. Faiz Kashani, M. (n.d.). *Mafatih al-Shara'e al-Islam fi Masa'el al-Halal va al-Haram*. (Vol. 2, 1st Ed.). Qom: Ayatollah Marashi Najafi Library Publications.
9. Fayumi, A. (1300 AH). *Al-Misbah Al-Munir fi Gharib Al-Sharh Al-Kabir le Rafi'i* (Vol. 2, 1st Ed.). Qom: Dar Al-Razi Publications. [In Arabic]
10. Fazel Lankarani, M. (1429 AH). *Tafsil al-Shari'at fi Shrah Tahrir al-Vasilat*. (1st Ed.). Qom: Jurisprudential Center of the Imams. [In Arabic]
11. Gottlieb, Bill. (1995). *New methods of natural treatment* (R. Mardukhi, 4th Ed.). Tehran: Ney Publications.
12. Hor Ameli, M. (1409 AH). *Tafsil Vasa'il al-Shia ila Tahsil Masa'il al-Shari'ah*. (vol. 29, 1st Ed.). Qom: Alulbayt Institute. [In Arabic]
13. Hosseini Ameli, M. (1326 AH). *Miftah al-Kiramat fi Sharh Qava'id al-Alamat*. (vol. 10, 1st Ed.). Beirut: Dar Al-Ihya Al-Torath Al-Arabi. [In Arabic]
14. Hosseini Shirazi, M. (1408 AH). *Al-Fiqh: Kitab al-Diyat*. (1st Ed.). Qom: Maktabat Imam Al-Mahdi. [In Arabic]
15. Ibn Dawud, H. (2004). *Rijal Ibn Dawud* (1st Ed.). Tehran: University of Tehran Press.
16. Ibn Idris, M. (1410 AH). *Al-Sara'er Al-Hawi le Tahrir al-Fatawa*. (Vol. 3, 2nd Ed.). Qom: Islamic Publications Office affiliated with the Qom Seminary Teachers Association. [In Arabic]



فقه

17. Ibn Manzur, M. (1414 AH). *Lisan al-Arab*. (vols. 4 and 13, 3rd Ed.). Beirut: Dar al-Fikr le al-Taba'at va al-Nashr va al-Tawzi'. Dar Sader. [In Arabic]
18. Khoei, A. (1422 AH). *Mabani Takmelat al-Minhaj*. (Vol. 2, 1st Ed.). Qom: Mu'asisat Ihya Athar Imam Al-Khoei. [In Arabic]
19. Khomeini, S. R. (1427 AH). *Tahrir al-Wasila* (Vol. 2, 1st Ed.). Qom: Dar Al-Ilm Press Institute. [In Arabic]
20. Koleyni, M. (1407 AH). *Al-Kafi*. (Vol. 7, 4th Ed.). Tehran: Dar al-Kotob al-Islamiyah. [In Arabic]
21. Koleyni, M., & Goodarzi, F. (1394 AP). *Forensic Medicine for Law Students* (12th Ed.). Tehran: Samt Publications. [In Persian]
22. Madani Kashani, R. (1408 AH). *Kitab al-Diyat*. (1st Ed.). Qom: Islamic Publications Office affiliated with the Qom Seminary Teachers Association. [In Arabic]
23. Majlesi Awal, M. (1406 AH). *Rawdat al-Muttaqin fi Sharh man la Yahzar al-Faqih*. (vol. 14, 2nd Ed.). Qom: Kooshanpour Islamic Cultural Institute. [In Arabic]
24. Mohaddes Nouri, M. (1417 AH). *Khatemat al-Mustadrak*. (Vol. 4, 1st Ed.). Qom: Alulbayt Institute. [In Arabic]
25. Mohaqeq Heli, J. (1407 AH). *al-Mo'tabar fi Shrah al-Mokhtasar*. (vol. 1, 1st Ed.). Qom: Seyyed Al-Shohada Institute. [In Arabic]
26. Mohtashami Tootkaboni, R. (1385 AP). *Nutrition therapy in common diseases* (1st Ed.). Tehran: Thaleth Publications. [In Persian]
27. Motahari, A. (1401 AH). *Mostand Tahrir al-Vasilat: Kitab Diyat*. (1st Ed.). Qom: Matba'at al-Khayyam. [In Arabic]
28. Muqaddas Ardabili, A. (1403 AH). *Majma' al-Fa'idat va al-Borhan fi Shrah Irshad al-Azhan*. (vol. 14, 1st Ed.). Qom: Islamic Publications Office affiliated with the Qom Seminary Teachers Association. [In Arabic]
29. Najafi, M. (1404 AH). *Javahir al-Kalam fi Sharh Shara'e al-Islam fi Masa'el al-Halal va al-Haram al-Islam*. (vol. 43, 7th Ed.). Beirut: Dar Ihya al-Toras al-Arabi al-Torath al-Arabi. [In Arabic]
30. Qutbuddin Kidari, M. (1416 AH). *Asbah al-Shi'ah be Misbah al-Shari'a*. (1st Ed.). Qom: Imam Sadegh Institute. [In Arabic]
31. Rouhani, S. (1412 AH). *Fiqh al-Sadiq*. (vol. 26, 4th Ed.). Qom: Dar Al-Kitab - Imam Sadegh School. [In Arabic]
32. Sabzevari, S. A. A. (1413 AH). *Mohzab al-Ahkam fi Bayan al-Halal va al-Haram*. (vol. 29, 4th Ed.). Qom: Al-Manar Institute - Office of Hazrat Ayatollah. [In Arabic]



تفہیم

33. Saduq, M. (1413 AH). *Man La Yahzar al-Faqih*. (vol. 4, 2nd Ed.). Qom: Islamic Publications Office affiliated with the Qom Seminary Teachers Association. [In Arabic]
34. Saduq, M. (1415 AH). *Al-Moqna'*. (1st Ed.). Qom: Imam Hadi Institute. [In Arabic]
35. Samdanifard, M., & Samdanifard, H. (1389 AP). *Impotence in men* (1st Ed.). Tehran: Arjmand. [In Persian]
36. Shahid Thani, Z. (1410 AH). *al-Rawzat al-Bahiyat fi Sharh al-Lom'at al-Dameshqiyyat*. (vol. 10, 1st Ed.). Qom: Davari Bookstore. [In Arabic]
37. Shahid Thani, Z. (1413 AH). *Masalik al-Afham ila Tanqih Shara'e al-Islam fi Masa'el al-Halal va al-Haram al-Islam*. (vol. 15, 1st Ed.). Qom: Islamic Knowledge Institute. [In Arabic]
38. Shoushtari, M. (1406 AH). *Al-Naj'at fi al-Sharh al-Lom'ah*. (vol. 11, 1st Ed.). Tehran: Sadough Bookstore. [In Arabic]
39. Smith, Donald Riggio. (1380 AP). *Urology-Orthopedics* (M. Rouhani., & M. Ghafourian, Trans. 1st Ed.). Tehran: Mir Book Publications. [In Persian]
40. Tabatabaei, A. (1409 AH). *Al-Sharh Al-Saghir Fi Sharh Mukhtasar Al-Nafi - Hadiqah Al-Mu'minin* (Vol. 3, 1st Ed.). Qom: Ayatollah Marashi Najafi Library Publications. [In Arabic]
41. Tabatabaei, A. (1418 AH). *Riaz al-Masa'il*. (Vol. 16, 1st Ed.). Qom: Alulbayt Institute. [In Arabic]
42. Tabrizi, J. (1428 AH). *Tanqih Mabani al-Ahkam, Kitab al-Diyat*. (1st Ed.). Qom: Dar al-Sadiqahat al-Shahidah. [In Arabic]
43. Tafreshi, M. (1418 AH). *Naqd al-Rijal*. (Vol. 1, 1st Ed.). Qom: Alulbayt Institute. [In Arabic]
44. Tusi, M. (1400 AH). *Al-Nahayat fi Mojarad al-Fiqh va al-Fatawa*. (2nd Ed.). Beirut: Dar Al-Kotob Al-Arabi. [In Arabic]
45. Tusi, M. (1407 AH). *Al-Khalaf*. (Vol. 5, 1st Ed.). Qom: Islamic Publications Office affiliated with the Qom Seminary Teachers Association. [In Arabic]
46. Tusi, M. (1417 AH). *Ijtihad va Taqlid (al-Idat fi Usul al-Fiqh)*. (1st Ed.). Qom: Setareh Printing House. [In Arabic]
47. Waseti Zubeidi, M. (1414 AH). *Taj al-Arous min Jawahir al-Qamous*. (vol. 5, 1st Ed.). Beirut: Dar al-Fikr le al-Taba'at va al-Nashr va al-Tawzi'. [In Arabic]



فقه